

زنان در جمهوری اسلامی

<http://jens-e-dovom.persianblog.com/>

در سال ۱۳۵۷، انقلاب موجی جدید در جامعه بوجود آورد و قانون اساسی جدید که مبنای کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، م و غیره را که در حکومت فعلی مجری است، موازین اسلامی قرار داد (اصل چهارم قانون اساسی) بنابراین، هر يك از قوانین حاکم بر روابط اجتماعی و دیگر روابط با شرع سنجیده میشد و قواعد مغایر با معیار سنجش نسخ و قواعد جایگزین میگردید.

: مهمترین این قوانین که تا سال ۱۳۶۳ تصویب و اجرا میگردیده به قرار زیر است

- بهار ۵۸ رسماً قانون حمایت از خانواده (که خود نامکفی بود) ملغی اعلام شد و جای خود را به دادگاههای مدنی " خاص داد که حق طلاق را به مراجع شرعی میسپرد

- بهار ۵۸ سن ازدواج برای دختران از ۱۸ سال به ۱۳ سال تقلیل یافت

- بهار ۵۸، حق قضاوت از زنان سلب شد. زنان دیگر نمیتوانستند در رشته حقوق قضایی تحصیل کنند

- بهار ۵۸، هنرستانهای مختلط، آماج نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفت و اعلام شد که هنرستانهای مختلط باید تعطیل شود

- مراکز رفاه خانواده به تعطیل کشانده شدند و مراکز کمک به کودکان و تنظیم خانواده محدود شد. توزیع قرص های ضدحاملگی کاملاً محدود شد و تنها در اختیار زنان بالاتر از ۴۰ سال قرار گرفت

- در قانون کار ج.ا.ا. "زنان شوهر دار ... برای انجام کارهایی که مزاحم حقوق زناشویی نباشد، استخدام میشوند و در صورتیکه انجام کار موجب تضییع حقوق زناشویی شوهر باشد، استخدام آنها منوط به اجازه و رضایت شوهر است

- جمهوری اسلامی، همه حقوق زنان کارگر و کارمند را به میل کارفرما میسپارد و شرایط مرخصی زمان بارداری، زایمان و "حضانت" طفل را به قرداد کار محول میکند

- قانون کار نیمه وقت زنان در اسفند ماه ۶۱ به تصویب مجلس میرسد. قانون کار نیمه وقت آنان را بیش از پیش از تولید و فعالیت اجتماعی میراند

- قانون قصاص، ثمره شوم دیگری است که برای جنایتهای بی حد و حصرش، مجوز قانونی و شرعی میدهد

نهادینه کردن آپارتاید جنسی

تبعیض جنسی در نظام جمهوری اسلامی در حیطه نظر و تئوری و یا صرفاً عملکردهای مذهبی محدود نمانده بلکه طی دو دهه گذشته بتدریج به آن جامعه قانون پوشانده شده است. این تبعیض از قانون اساسی جمهوری اسلامی شروع شده و کلیه قوانین جزا و مدنی آنرا در بر می گیرد. بدین ترتیب زن در همه جهات و زمینه های، سیاسی، اجتماعی و خصوصی تحت فشار و تبعیض مستمر و سیستماتیک می باشد. یعنی دیدگاهی که زن را بعنوان انسان نفی می کند و او را مطیع و برده جنس برتر یعنی مرد می داند، عیناً در قوانین جمهوری اسلامی جاری شده است

نفی حق قضاوت

سلب حق قضاوت بمعنی «انشاءحکم». از زنان در نظام آخوندی جمهوری اسلامی يك اصل غیر قابل تغییر است. در «قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری» مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۱ تصریح شد که «قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می شوند: «ایمان، عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران» ۲۰

از چندی قبل زمزمه هایی را سردمداران رژیم براه انداختند که گویی جمهوری اسلامی سیاست خود را در این خصوص تغییر داده است. در همین راستا تبلیغات زیادی در خارج از ایران از سوی حامیان رژیم براه افتاد که وضعیت زنان در ایران رو به بهبود است. برخی دولت های خارجی نیز که شدیداً برای توجیه روابط اقتصادی خود با رژیم آخوندی جمهوری اسلامی نیازمند چنین «تغییراتی» می باشند به تغییر موقعیت زنان در قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی استناد می نمودند. در نماز جمعه ای در تهران در ماه شهریور، یزیدی گفت: «این زنانی که من عرض می کنم در کادر قضایی هستند، سمت قضایی دارند. حقوق قضایی می گیرند. یعنی در کارهایی انجام وظیفه می کنند که ریاست محکمه ندارند، ولی سمت قضایی دارند... یا چندتا از این خانمها که آمدند توی بعضی از محاکم دیگری که معمولاً با اشترک چند قاضی نظر داده می شود». ۲۱

از این پیشتر، وی گفته بود: «مستقل از سطح علم، محاسن، تکامل و تعقل يك زن، وي حق حکمرانی ندارد. حتی اگر يك زن برحق و با اعتبار از همه شرایط برخوردار باشد، وي نمی تواند در موضع رهبری قرار گیرد و یا قاضی بشود زیرا وي يك زن است». ۲۲

وزیر دادگستری جمهوری اسلامی شوشتری عین همین مضمون را مقداری صریح تر بیان کرده است: «ما در کشور قاضی زن زیاد داریم و فقط بانوان در مشاغلی که قاضی به تنهایی رأی صادر میکند نمیتوانند شاغل باشند، ولی در دیگر مناصب دارای شغل میباشند...» ۲۳

مدیر کل دفتر امور زنان قوه قضائیه تأکید کرد که درحالی که زنان می توانند در قوه قضائیه استخدام شوند، آنها نمی توانند رأی بدهند. وی می گوید «در سال ۱۳۶۳ قانونی به تصویب رسید که طبق آن زنان قاضی مشاور در دادگاههای مدنی خاص مشغول به کار شدند و در سال ۱۳۷۴ با اصلاحیه ای که این قانون داشت حضور زنان در تمامی پستهای قضایی به جز انشاء رای بلامانع اعلام شد... وی تصریح کرد، برای انشاء رای سه مرحله علم، تشخیص و انشاء باید طی شود که زنان در دو مرحله اولیه آن نقش فعالی را در قوه قضائیه به عهده دارند بنابراین هرپستی که نیاز به انشاء حکم از طرف زن نداشته باشد برای زنان در پستهای قضایی بلامانع است». ۲۴

خانواده، محیطی مملو از تبعیض

خانواده محیطی دیگری است که تبعیض علیه زنان در آن در نهادینه شده است. از نظر ملایان، تنها کار زن این است که آسایش همسرش را فراهم سازد. خامنه ای در این خصوص گفت: «ارزش واقعی زن به آن است که محیط خانواده را برای همسر و فرزندان خود به بهشت و محیطی متعالی و امن بریا کسب مقامات و معارف الهی تبدیل کند». ۲۵

یزدی نیز در این خصوص گفت که لازم است که زن نسبت به شوهر خود اطاعت داشته و او را ارضا کند. حق شوهر در قبال زن این است که زن وی از وی اطاعت کند. وی نباید با تمرد گناه مرتکب شود. او نباید بدون اجازه شوهرش خانه اش را ترک کند. بر اساس سنت مذهبی، به هنگام ترک خانه، او باید از شوهرش اجازه بگیرد. همسر شما که در تملک شماست، در واقع برده شما می باشد. ۲۶

این برخورد تبعیض گراییه در متن قوانین جمهوری اسلامی نیز گنجانده شده است

ماده ۱۱۰۵ از قانون مدنی «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است». ملاحظه می شود بحث بسیار فراتر از حتی يك قانون است. «خصائص» اشاره دارد به يك امر فطری که غیر قابل تغییر می باشد. یعنی از ابتدا، هستی و وجود بر این پایه بنا شده است. آخوند ها اکنون به این تفکر خود جامه قانون پوشانده اند تا اجرای آن بطور سیستماتیک عملی تر گردد

ماده ۱۱۰۸ همین قانون می گوید «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود».

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن «مناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء

ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی رژیم تصریح می کند که «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید مگر آنکه «اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد

ماده ۱۱۱۷ همین قانون حق حضور اجتماعی زن را نیز تماماً در اختیار مرد قرار می دهد و می گوید «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند». بنابراین مرد حاکم مطلق بر زن می باشد. قدرت و اختیارات مرد فراتر از قدرت ارباب در مورد برده است. چون همه چیز و حتی عواطف زن اسیر مرد است. اما در مقابل ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی به روشن ترین وجه می گوید «مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق را دهد». هیچ محدودیتی در مقابل مرد وجود ندارد. هر زمان که اراده کند حتی غیابا می تواند اقدام به طلاق زن کند

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی حتی ازدواج دختر را منوط به اجازه «پدر یا جد پدری» می کند. ماده ۱۰۵۹ زن را از ازدواج با «غیرمسلمان» منع میدارد

ماده ۱۰۶۰ از قانون مدنی: «ازدواج زن ایرانی باتبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه». «مخصوص از طرف دولت است».

ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر یا جد پدری خود می باشد». در مقوله سرپرستی بچه نیز ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی: «برای نگهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او الویت خواهد داشت. پس از انقضاء «این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود».

ماده ۱۱۷۰ می افزاید اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است ازدواج کند حق حضانت با پدر خواهد بود

بر اساس ماده ۱۰۲ از قانون «مجازات اسلامی»، «مرد را هنگام رجم تا نزدیک کمر وزن را تا نزدیکی سینه درگودال دفن می کنند، آنگاه رجم می نمایند». این قانونگذار جنایتکار می خواهد زن قربانی شانس کمتری برای فرار در هنگام سنگسار داشته باشد. علاوه بر این ماده ۱۰۴ همین قانون می افزاید «بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با صابت یک یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند» بدین ترتیب هدف قبل از هر چیز تحمیل شدیدترین شکنجه ها بر قربانی می باشد

بر اساس ماده ۲۰۹ «قانون مجازات اسلامی» «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد». چندی قبل زنی که دختر او مورد تجاوز قرار گرفته و بعد بقتل رسیده بود دست به شکایت برداشته بود که همه زندگی خود را برای پرداخت نصف دیه قاتل دخترش فروخته است ولی هنوز کافی نبوده و دیگر نمی داند چکار باید بکند

در زمینه شهادت نیز ماده ۲۳۷ قانون تصریح می کند که «قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود». یعنی شهادت زن اصلاً بحساب نمی آید. در ادامه همین ماده آمده است «قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل» ثابت می شود. بدین ترتیب آنجایی هم که شهادت زن را می خواهد بپذیرد دو زن در مقابل یک مرد قرار دارند. صرف نظر از ماهیت ضد انسانی این قوانین، آنچه قابل توجه است نگرش آخوند ها نسبت به زنان می باشد، لذا تأکید می گردد که استناد به این قوانین فقط و فقط برای نشان دادن تفکرات ضد زن رژیم است. بعنوان مثال در ماده ۱۸۹ از «قانون مجازات اسلامی» تصریح شده است که «محاربه و افساد فی الارض» با «شهادت فقط دو مرد عادل» اثبات می شود و شهادت زن هیچ ارزشی ندارد. در ماده ۱۷۰ «قانون مجازات اسلامی» آمده است که برای اثبات اینکه کسی شراب خورده فقط شهادت دو مرد عادل قابل قبول است و شهادت زن پذیرفته نیست. ماده ۱۹۹ همین قانون برای اثبات سرقتی که «موجب حد» است «شهادت دو مرد عادل» را ذکر می کند و در این مورد نیز شهادت زن بحساب نمی آید

برخی دیدگاههای

هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: «برابری نسبت به عدالت اولویت ندارد. عدالت به این معنی نیست که همه قوانین برای مرد و زن می باید یکسان باشند. تفاوت در قد، بنیه، صدا، رشد، ساختمان عضلات و قدرت فیزیکی در زنان و مردان نشان میدهد که مردان در تمامی این موارد قوی تر و توانا تر هستند... مغز مردان بزرگتر است،

مردها با دلیل و منطق هستند، درحالیکه اکثر زنان احساساتی هستند.... این تفاوت ها در مسئولیت، وظیفه و حقوق (اثر دارد)». (اطلاعات)

خاتمی: «یکی از بزرگترین اشتباهات غرب مساله آزادی زن بود که باعث گسستن خانواده شده است. در خانه ماندن به معنی به حاشیه رانده شدن نیست و خانه دار شدن بهیچ وجه مانع حضور در سرنوشت نمی باشد... نیندازیم که اجتماعی (بودن یعنی اشتغال داشتن، که خانه داری جز مهمترین کارهاست)». (روزنامه سلام،

مشکینی، رئیس مجلس خبرگان: «مساله تساوی حقوق مرد و زن به معنایی که ذکر کردند، ضد قرآن است، ضد دین (است)». (تلویزیون

خامنه ای: «البته این مساله که زنان باید در صحنه های اجتماعی به همان تعداد و کمیتی که مردها هستند حضور داشته (باشند) نکته یی منفی، فکری ابتدایی، بسیط و کودکانه است». (راديو

یزدی رئیس پیشین قوه قضاییه: «اگر سجده برای خدا اجباری نبود، زنان می باید در مقابل شوهرانشان زانو می (زدند). يك زن كاملاً در تملك شوهرش می باشد. زندگی اجتماعی وی مشروط به توافق شوهرش می باشد». (راديو

آقای خمینی: «زنان موجودات شروری هستند، اگر زنی از فراهم کردن محیط مناسب جهت ارضاء همسرش خودداری کند، همسرش حق دارد که او را کتک بزند، و هر روز بر شدت کتک بیفزاید تا زن را وادارد به تسلیم کند. برای هر يك از زن و شوهر حقی است بگردن یکدیگر که واجب است بآنها قیام نماید هر چند که حق شوهر عظیم تر است، از جمله حقوق شوهر برگردن زن این است که او را اطاعت کند و از فرمان او سرنتابد و بدون اذن او از خانه اش بیرون نرود هر چند بدیدن خویشاوندانش و حتی عیال پدرش و یا مجلس ختم باشد... زن در مقابل شوهرش هیچ اختیای در مال خودش ندارد و بدون اذن شوهر نمی تواند مال خود را صدقه دهد یا بکسی ببخشد و یا نذری کند و.... و اما حق زن برگردن (شوهرش این است که او را سیر کند و بپوشاند و اگر نادانی کرد او را ببخشد و روی ترش نکند». (تحریر الوسيله